

## تلاش‌های تب‌آلود بمنظور سرهم‌بندی نمودن هویت جعلی

موضوعگیری‌ها و اپراز نظرهای بی‌ریشه‌ها و بیگانه‌ها با تاریخ و فرهنگ کشور  
تمثیل‌نمایش با سمفونی‌های ساخته‌شده خارجی‌ها و بیگانه‌ها با جامعه ما

چگونگی احیای هویت فسخ‌شدگان و سفاکان نفرین‌شده  
به تازیانه بستن حقیقت‌های خون‌آلود در جامعه افغانی  
شناسایی علت‌های سیاسی بی‌ثباتی در کشور  
طلسم ناباوری‌ها را باید شکست

هویت یا کیستی به مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات فرد و آنچه وی را از دیگران متمایز می‌نماید، گفته می‌شود. هویت عبارتست از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، روانی، فرهنگی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه، بمعنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دخالت کند و آنها را در یک ظرف مکانی و زمانی معین بگونه مشخص، قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق بآنها متمایز سازد. هویت انسانی، مقوله ایست اجتماعی. همه انسان‌ها به‌نگام تولد، فارغ از اینکه در کجای زمین بدنیا می‌آیند و یا از چه تعلق قومی و قبیله‌ای برخوردارند، دارای ویژگی‌های یکسان نوع انسانی در میان موجودات زنده هستند و هیچگونه تفاوت ماهوی با یکدیگر ندارند، بنابراین، مقوله هویت انسانی که در دوران رشد و تکوین انسان در جامعه شکل می‌گیرد، کاملن اجتماعی و جامعه‌شناسانه بوده و اصلن ربطی به به خون و نژاد و رنگ پوست... ندارد. هویت انسان، مقوله اجتماعی است. هویت اجتماعی انسان از پنج مقوله پیروی می‌نماید، بزبان دیگر، بر پنج مؤلفه تأثیر گذار شکل می‌گیرد که عبارتند از: عوامل جغرافیایی، اقلیمی، عوامل سیاسی و تاریخی، عوامل اقتصادی و معیشتی، عوامل فرهنگی (زبان، ادبیات و هنر، میراث اساطیری، سنن و آداب، اعتقادات و آئینها و رسوم و یادمان‌ها) و مؤلفه‌های تربیتی.

با در نظر داشت مناسبات و نحوه گُنش‌ها و واکنش‌ها بویژه میان دسته‌بندی‌های نظامی - مذهبی با حاکمیت‌های سیاسی در کشورهای آسیایی بمفهوم محدود کلمه و درسراسر جهان بمفهوم وسیع کلمه، در کنار سایر خصوصیت‌ها و مشخصه‌های موجود، نباید فراموش خاطر ما شود که هر کدام از طرف‌های شامل در قضایای موجود و با بکارگیری و استفاده از وسایل و طرق مختلف، بویژه قسمن از طریق جعل حقایق، برای خویش و همفکران شان هویت و موجودیت جعلی تراشیده و با بکارگیری تشدد، ترور و دهشت افگنی و ایجاد وحشت، در صدد تحمیل اراده خویش بطرف مقابل می‌باشند. بگمان اغلب که "طالب"ها در شرایط و وضعیت کنونی، در مجموع بیش از این انجام بی‌چون و چرای مسایل و قضایای موجود و تطبیق و اجرای آرزومندی‌های اسلام آباد را نپذیرفته و بگونه مشخص، برنامه‌های آن کشور طبق دلخواه زمامداران پاکستانی در عمل تطبیق نگردیده و تیرنظامیان پاکستانی در اینمورد بسنگ خورد. گروه‌بندی‌ها و دسته‌بندی‌های استخباراتی پاکستان در صدد تطبیق و اجرای نقشه‌های شیطانی بمنظور حفظ منافع را هبردی شان در کشور عزیز ما از هیچگونه جد و جهد در زمینه دریغ نورزیده و با تمام قوا بتلاش‌های مذبحخانه‌شان در زمینه یادشده همچنان ادامه داده و منابع و امکانات گسترده‌ای را در مورد اختصاص می‌دهند. بر بنیاد گزارش‌های منابع خبری، جنرالان پاکستانی با بیقراری اظهار می‌نمایند که بتعداد ۶ هزارتن از جنگجویان "تحریک طالب‌های پاکستان" همراه با اعضای خانواده‌های شان در سرزمین و اراضی متعلق با افغانستان پناه داده شده‌اند. از جانب دیگر، زمامداران اسلام آباد ادعا می‌ورزند که بسیاری از مهاجران افغان در سرزمین پاکستان، در ناآرامی‌ها آن کشور و شرکت در اقدامات و عملیات‌های مسلحانه در پاکستان نیز سهیم بوده‌کاین امر، بگونه‌ای امنیت داخلی پاکستان را تهدید نموده و در مختل ساختن وضعیت موجود در آن کشور همت می‌ورزند. زمامداران پاکستانی از جمله

آصف درانی نماینده ویژه پاکستان برای کشورما با دیده درایی اظهار نموده وبا بیشرمی مدعی گردید که "استقرار صلح و آشتی در افغانستان به کابوسی برای پاکستان مبدل گردیده است."

بسیاری از کارشناسان مسایل منطقوی چنین می پندارند که با وجود آنکه (آی اس آی)، بمثابه سازمان قدرتمند استخباراتی پاکستان همراه با سازمان های استخباراتی کشورهای دیگر درتشکیل و ایجاد گروه "طالب" ها از نقش مهم و عمده ای برخوردار بود، اما بخاطرما باشد و این واقعیت را نباید هرگز از نظر دورنگهداشت کاین امکان با تمام قوت آن نیز باقی می باشد که ممکن عده ای از "طالب" ها افغان، درمجموع از دایره وابستگی و تعلق بیشتر به پاکستا خارج شده باشند، چه، عده ای از "طالب" های افغان بر بنیاد مشترکات قومی و تباری و مشخصه های ایدئولوژیک از "تحریک طالب های پاکستان" حمایت و پشتیبانی بعمل بیاورند، این اولن و دوهم هم اینکه جریان های قوم گرایی و مشخصات قومی و قبیلوی میان پاکستانی ها و سازمان های استخباراتی از یکجانب و از جانب دیگر، میان قوت های مسلح پاکستانی و "تحریک طالب های پاکستان" نیز موجود می باشد که بگونه غیر اعلام شده و نانوشته ایی بتقویت "تحریک طالب های پاکستان" و وسعت و گسترش ناآرامی ها در آنکشور انجامید. اما نباید فراموش خاطرماشود که شکل گیری تشنج و ناآرامی ها در پاکستان، درکنار عوامل و فاکتورهای دیگر و بگونه ایی نتیجه عملکردها و اقدامات گروهی جدایی طلب بلوچ در اراضی و سرزمین پاکستان نیز محسوب می گردد.

در اینمورد پرسشی باین شرح مطرح می گردد کآیا با بقدرت رسیدن "طالب" ها در کابل، اقدامات تروریستی و دهشت افگانه در پاکستان افزایش حاصل نمود و یا فاکتورهای دیگری در اینمورد دخیل بوده و بگونه ایی تأثیرگذار می باشد؟

اما نباید فراموش نمود که واقعیت "کشور - دولت - ملت"، در روند تنوع فرهنگی و کثرت جوامع بشری در یک مسیر تاریخی شکل می گیرد. بسیاری از جوامع با واقعیت های گفته آمده در بالا، قادر گردیدند تا برای خود موجودیت و هویت واحدی بنام کشور - دولت - ملت بسازند. برخی از جوامعی که فاقد پیشینه تاریخی بوده و شهروندان آن نیز فاقد حافظه تاریخی مشترک و فاقد آرمان مشترک می باشند، شهروندان اینچنینی هویت و چگونگی موجودیت شان را در این می بینند تا در برابر دیگران برای خویش هویت تقلبی تصور نمایند. بگونه مثال، اصل بیگانگی را در قرار دادن مسلمان در برابر کافر و تقابل میان عرب و عجم دامن می زنند.

در این میان پاکستان نیز بر بنیاد اصل بیگانگی عرض وجود نمود، بایست یاددهانی بعمل آید کشورهایی که بر بنیاد اصل یاد شده ظهور می نمایند، در تاریخ سیاسی شان روز استقلال یا روز تأسیس کشور ندارند، از جمله مانند ایالات متحده و اسرائیل که بر بنیاد اصل بیگانگی وارد عرصه مناسبات بین المللی گردیده اند.

اما دست اندرکارن سیاسی چنین می پندارند که همین اصل بیگانگی در نوع خود برای پاکستان بمثابه مشکل و معضل لاینحلی باقی مانده است. سیاستمداران پاکستانی که بر بنیاد اصل بیگانگی برای خویش هویتی تراشیده و آفریده اند، در صدد آنند تا از تعقیب راهی کآنها (پاکستانی ها) رفته و برای شان جایگاهی فراهم نمودند، "طالب" ها را بر حذر دارند. با انجام تلاش های گسترده ایی، به "طالب" ها یاد داده شد تا در قالب مسلمان و نامسلمان برای شان هویت جعلی دست و پا نمایند. وضعیت اینچنینی سبب تشدید نفرت و کینه تیزی های دینی و مذهبی گردیده که در نهایت امر، به خشونت انجامیده و با اقدامات تلافی جویانه از قبیل انجام حملات انتحاری، وسعت درگیری های مسلحانه، بمب گذاری و انفجار، عرصه و شرایط زندگی را برای شهروندان کشور محدود و ناگوارتر می نمایند. اصل بیگانگی به هدف ایجاد و خلق هویت جعلی، منشأ مشکلات "طالب" ها و پاکستان بوده و بنیاد ضد و نقیض گو یی های موجود میان آنها محسوب می گردد که در نتیجه نهایی، تداوم روند یاد شده منجر به خشونت، جنگ افروزی، نا امنی و کوچ های اجباری شهروندان کشور خواهد شد. این اصل "بیگانگی" عناصر سیاسی در پاکستان و در جمع گروه "طالب" ها، از جمله علل اصلی افزایش خشونت ها در جوامع افغانی و پاکستانی شمرده می شود.

تا زمانی که این اصل "بیگانگی" به هدف خلق و ایجاد هویت جعلی متوقف نگردیده و عملکردهای اینچنینی مهار نگر

دد، در نهایت امر و در فرجام، پیامدهای ناگواری برای کشورهای یاد شده بارمغان خواهد آورد. اما پس از فراخواندن نظامیان امریکایی و ناتوا سرزمین کشور عزیز ما افغانستان، بگونه آشکاری، نقش و اثرگذاری پاکستان در قضایای کشورما کم رنگ شده و گردانندگان پاکستان در اسلام آباد را ناگزیر به باز تعریف دیدگاههای شان در مورد کشور عزیز ما نموده است.

یکشنبه ۵ ماه قوس سال ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با ۲۶ نوامبر سال ۲۰۲۳ ترسایی